



لطفا ساکت!

کودکان سخن می گویند



سیلویا باچر و مونیکا بلتران

مجله‌ی پیام یونسکو، شماره‌ی ۳۵۸، سال سی و یکم، آموزش برای همه، تاریخ انتشار خردادماه ۱۳۷۹ (مارس ۲۰۰۰)، صفحات ۱۱ الی ۱۳

دانش‌آموزان بوئنوس آیرس، با امکاناتی نظیر میکروفون، ضبط صوت و دوربین، می‌آموزند که چگونه عقاید خود را بیان کنند و به اخبار با دیدی منتقدانه بنگرند.

معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا به نواری از بخش خبر رادیو که در آن مقامی دولتی، عامل بیکاری افراد جامعه را مهاجران می‌داند، گوش کنند. مطالب رادیو تأثیر عمیقی برجا می‌گذارد. دانش‌آموزان کلاس پنجم مدرسه در پارک اوه ژنیدای (Parque Avellaneda) بوئنوس آیرس غرق سکوت می‌شوند. ولی یک‌باره آمپارو دختر ۱۰ ساله‌ی بولویایی، سکوت را می‌شکند و شروع به صحبت می‌کند. او می‌گوید: «هنگامی که من در بیمارستان بودم، آن‌ها نمی‌خواستند ما آن‌جا باشیم. سر مادرم فریاد می‌زدند: «به کشور خودت برگرد!» و به خاطر این که پدرم بولویایی بود، به او کار ندادند.»

ماجرای خبر رادیو و عکس‌العمل آمپارو به دنبال آن، بهانه‌ای شد تا دانش‌آموزان برای کارگاه برنامه رادیویی خود موضوع جدیدی بیابند: «مهاجران در مدرسه».

فنی اوپینو، کتابدار مدرسه می گوید: «ما این موضوع را انتخاب کردیم؛ چرا که بیشتر دانش آموزان این جا مهاجران بولیویایی هستند. اولین کار ما جمع آوری اطلاعات است. سپس قبل از این که برنامه روی آنتن برود، ما مطالب بچه ها را بازبینی می کنیم. مهم ترین چیز در این میان این است که بچه ها احساس کنند که برای حرف های آن ها گوش شنوایی نیز وجود دارد، نه این که فقط به مسائل و مشکلات فکر کنند.»

کارگاه رادیو که بخشی از تولیدات رسانه ای است، ۱۰ سال پیش به همت «هیئت روزنامه نگاری، ارتباطات و آموزش شهر بوئنوس آیرس» در برنامه ی مدارس گنجانده شده است.

این برنامه در مدارس به نام «طرح کودک روزنامه نگار» معروف است. اما هدف این طرح آن چنان گسترده نیست که روزنامه نگارهای حرفه ای جوانی تربیت کند که مستقلا بتوانند به امور خود پردازند.

برای موضوع «مهاجران در مدرسه» از دانش آموزان خواسته شد تا با مهاجران و در بعضی موارد با آشنایان خویش مصاحبه کنند. آن ها شرح گزارش خود را نوشتند، بازخوانی کردند و در کلاس راجع به آن به بحث پرداختند. سپس از کتاب ها و مجلات مطالبی در مورد تبعیض نژادی گرد آوردند. سرانجام بعد از این تلاش ها، با قطعه های انتخابی موسیقی، برنامه رادیویی خود را به کمک هم تهیه کردند.

در برنامه ی کودک روزنامه نگار، روشی که در آن شاگردان به بررسی، بحث و دفاع از عقیده خود می پردازند، بسیار مهم تر از محصول نهایی برنامه است. چه این محصول روزنامه باشد، چه یک برنامه رادیویی و یا یک محصول تصویری.

به عبارت دیگر مدرسه محل تربیت شهروندانی است که به دنیایی که در آن زندگی می کنند، منتقدانه می نگرند.

ماریا اسپرانزا، دیگر دانش آموز بولیویایی می گوید: «تشکیل این کارگاه درباره ی مهاجران به من فهماند که چرا بعضی اوقات در خیابان سر من فریاد می کشند.»



مطبوعات را زنده نگه دارید! کارگاه های رسانه ای در مدارس بوئنوس آیرس جنب و جوش فوق العاده ای پدید آورده است.

به عقیده آموزگار این دانش‌آموزان، ساختن برنامه‌های رادیویی، بچه‌ها را از احساس طرد شدن به خاطر ملیت یا رنگ پوست آگاه می‌سازد. هم چنین به آن‌ها می‌فهماند که به اخبار رادیو و تلویزیون با دیدی انتقادی بنگرند و از طریق رسانه‌های ارتباطی خودساخته، پیام اعتراضشان را به گوش دیگران برسانند.

تولید برنامه‌های رادیویی و نشر مجله، فعالیت‌هایی است که در نظام آموزشی بسیاری از کشورها جایگاه مناسبی یافته است. با این همه برنامه آرژانتین ترکیبی منحصر به فرد دارد که دلیلش را باید در زمینه اتفاقات سیاسی و اجتماعی دهه ۱۹۸۰ بازجست. در سال‌های طولانی حکومت دیکتاتوری و سانسور که باعث رواج فرهنگ سکوت در جامعه آرژانتین شده بود، خطوط ارتباط میان اجتماعات مردم یا از بین‌رفته یا ضعیف گشته بود. اما به نظر می‌رسد این طرح تولیدات رسانه‌ای، انتخابی مناسب برای تقویت فعالیت‌های دموکراتیک از طریق مدرسه و برای ترمیم بافت جامعه از طریق ایجاد پل ارتباطی بین مدرسه و جامعه، و آموزش تفسیر نقادانه پیام‌هایی بوده است که از رسانه‌ها پخش می‌گردیده.

شکست فرهنگ سکوت

این هدف چه بسا عاملی کلیدی در موفقیت برنامه‌ای باشد که هم از کمبود پشتوانه مالی و هم اوضاع نامساعد سیاسی به سلامت گذر کرده است. در عرض ۱۰ سال تعداد مدرسه‌هایی که مشمول این طرح می‌شدند، از ۳۴ مدرسه به ۲۰۰ مدرسه رسیده است که بیشتر آن‌ها در حومه‌های فقیرنشین بوئنوس آیرس قرار دارند. در حدود ۵۰۰۰۰ دانش‌آموز، از دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و نیز بعضی از کلاس‌های بالاتر و همچنین کودکان مدارس استثنایی، در نقش گزارشگر ویراستار، گوینده، تدوینگر فیلم یا عکس، بیش از ۶۰۰ مجله‌ی دیواری مدرسه، ۷۰۰ ساعت برنامه رادیویی که از ایستگاه‌های رادیوی محلی پخش شده است و ۱۰۰ برنامه ویدئویی را برنامه‌ریزی، تحقیق و تهیه کرده‌اند.

موضوعاتی که در کارگاه توسط کودکان پیشنهاد می‌شود و علایق و نیازهای آن‌ها را منعکس می‌کند، در نوع خود انقلاب کوچکی است. عناوینی همچون «از کوچک تا بزرگ»، «نسل ۲۰۰۰»، «از ضعف تا قدرت»، نشانگر موضوعات مورد توجه این روزنامه‌نگاران نوپاست: ارتباط با بزرگترها، حقوق بشر، خشونت، بوم‌شناسی و تبعیض.

بعضی از موضوعات مستقیماً به برنامه آموزشی مدارس مربوط اند (نقش زن در تاریخ ریاضیات، تغییرات آب و هوا و مراقبت بهداشتی) و بعضی بر مشکلات اجتماعی تکیه دارند که منجر به اقدامات خاص می‌شود.

به عنوان مثال، بچه‌هایی که در یک کارگاه روزنامه‌نگاری نقشی داشتند، با مشاهده‌ی ریشه کن شدن درخت‌های نزدیک مدرسه، بر آن شدند تا آماری از تعداد درختان اطراف تهیه کنند. آن‌ها با قدیمی‌ترین ساکنان مصاحبه کردند و با کارشناسان و مأموران دولتی حرف زدند و نگرانی آن‌ها را از این بابت، در یک برنامه ویدئویی برای جامعه منعکس کردند. ثمره‌ی کار آن‌ها این بود که گروهی، مأمور کاشتن درختان جدیدی در آن ناحیه شدند.



روزنامه‌نگاران نوریسیده برای روزنامه‌ی مدرسه‌شان عکس انتخاب می‌کنند و از صفحه‌آرایی چیزهایی می‌آموزند.

گروه دیگری از بچه‌ها فیلمی راجع به حقوق کودکان ساختند: «هرچه بزرگترها از ما بیشتر بدانند، کمتر با ما بدرفتاری می‌کنند» و این موضوع باعث شد تا به زندگی بچه‌های خیابانی و شیوه‌ی آن‌ها برای امرار معاش توجه شود. فعالیت‌های کارگاه همچنین می‌تواند مبتکرانه و هنرمندانه باشد، حضور یک دانش آموز اوکراینی کلاس ششم، در مدرسه‌ای در ناحیه‌ی کابالتو، انگیزه‌ای شد تا بچه‌ها راجع به تاریخ و فرهنگ اسلاوها به جمع‌آوری اطلاعات بپردازند. سپس تصمیم به ساختن عروسکی بر پایه‌ی موسیقی پتروشکای استراوینسکی گرفتند. مربی موسیقی آن‌ها می‌گوید: «آن‌ها راجع به کار و زندگی این آهنگ‌ساز تحقیق کردند، به دیدن چند موسیقی رفتند و از معلمان هنر و علوم کمک خواستند و سرانجام عروسک را ساختند و فیلم‌نامه‌ای هم برایش نوشتند.»

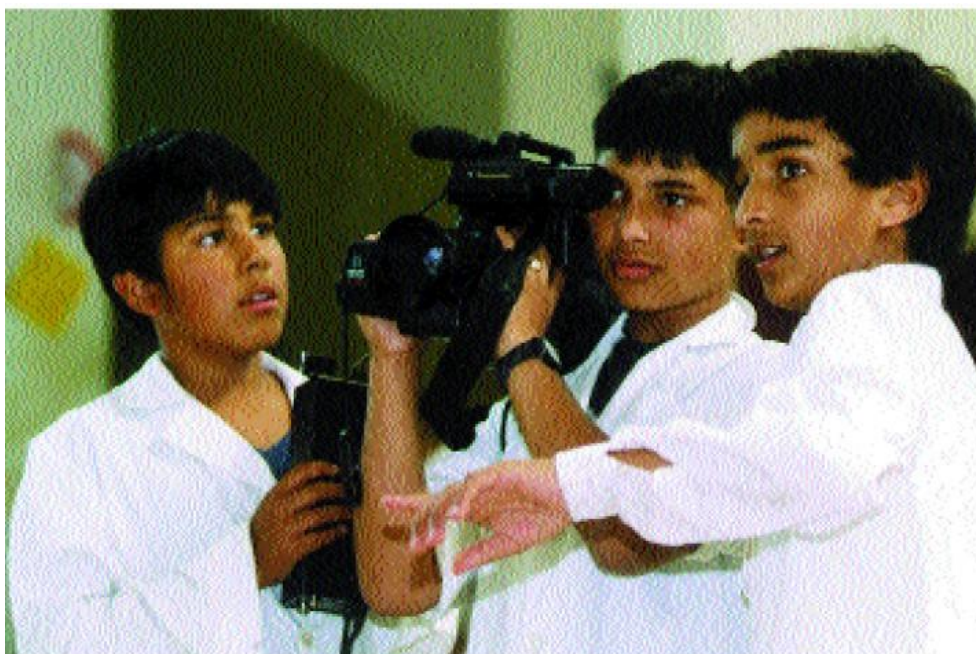
یکی از بزرگترین و مقاوم‌ترین موانع برای تغییر روند قدیمی آموزش، کمبود معلمانی است که دوره‌های کارآموزی را به شایستگی طی کرده‌باشند. از این رو تربیت نظری و عملی معلمان، یکی از موضوعات مهم طرح کودک روزنامه‌نگار، شده‌است. بیش از دو ماه، هفته‌ای یک بار گروه‌هایی از آموزگاران علاقمند با کمک یکی از همکارانشان که تجربه‌ی کلاسی این طرح را دارد، برای تولید مطالب رسانه‌ای و بحث درباره‌ی آن‌ها دور هم جمع می‌شوند. با حمایت یونسکو از سال ۱۹۹۴ این برنامه موفق به تشکیل شبکه‌ای متشکل از ۳۵۰ معلم با مهارت‌های ویژه شده‌است.

افق‌های تازه برای آموزگاران

شرکت کنندگان در این طرح می‌گویند که کارگاه‌های رسانه‌ای به آن‌ها کمک می‌کند تا کنجکاوی و اشتیاق‌شان به فراگیری متن کتب درسی، که در مجموع کسالت‌آور است، بیشتر شود. برای بچه‌ها این طرح، به معنای آزادی بیشتر و ارتباط با واقعیات زندگی است. یک گزارش‌گر جوان می‌گوید: «کارگاه‌ها به ما اجازه می‌دهند تا با مردم مصاحبه کنیم و به سطح شهر برویم، در حالی که در کلاس درس برای گذراندن امتحانات فقط باید درس بخوانیم و مطالعه کنیم.» این روش برای آموزگارانمانند

مانیکا افق‌های تازه‌ای گشوده‌است. مانیکا توضیح می‌دهد که چگونه یاد گرفته‌است برای تجربه‌های کودکان احترام بیشتری قائل شود و چگونه فهمیده‌است که حق ندارد عقل و خردمندی را در انحصار خود بداند. او می‌گوید: «کارگاه‌ها به ما کمک می‌کند که از دست کلیشه‌ها خلاص شویم و خودمان مسائل را دریابیم.»

آموزگاران که در این تجربه مشارکت می‌کنند، معتقدند که تولید برنامه‌های رادیویی و روزنامه‌ها، راه مناسبی برای تقویت مهارت‌های گفتاری و نوشتاری کودکان هستند؛ چرا که در این شیوه، بازگویی درس از حافظه مدنظر نیست، بلکه استفاده از اندیشه‌ها و عقاید شخصی به طور دقیق و مؤثر مورد توجه است، به طوری که خواننده‌ها و شنونده‌های خارج از کلاس نیز می‌توانند آن‌ها را فراگیرند. روزنامه‌های مدارس که دانش‌آموزان آن‌ها را تهیه می‌کنند، به شکل تک‌ورق یا یک مجله، در مدرسه و میان همسایه‌ها توزیع می‌شود و فیلم‌های ویدئویی دانش‌آموزان معمولاً در جشنواره‌ها و دیگر رویدادهای خاصی که پدران و همسایه‌ها در آن شرکت می‌کنند، به نمایش در می‌آید. از سال ۱۹۹۴ م.، برنامه‌های رادیویی هر هفته روی ایستگاه‌های موج FM در برنامه‌هایی سریالی، به نام «رنگارنگ: صدای بچه‌ها» پخش می‌شود.



وقتی دوربین ویدئو در اختیار جوانان قرار می‌گیرد و مأموریتی به آنان محول می‌شود، با روزنامه‌نگاری آشنا می‌شوند.

آموزش رمزگشایی پیام‌های رسانه‌ها

هدف طرح بوئنوس آیرس این نیست که مدارس را در برابر رسانه‌ها قرار دهد، بلکه هدایت شور و شوق طبیعی کودکان و نوجوانان است. کودکان آمریکای لاتین روزانه به طور متوسط چهار ساعت از وقت خود را صرف دیدن تلویزیون یا شنیدن موسیقی رادیو می‌کنند. بنیاد تلویزیون آموزشی آرژانتین تحقیق کرده است که از میان ده و نیم میلیون خانوار، نه و نیم میلیون آن‌ها تلویزیون دارند و بیش از نیمی از آن‌ها به گونه‌ای مشترک برنامه‌های تلویزیونی هستند که آرژانتین را از لحاظ اشتراک کابل تلویزیون در مقام سوم جهانی قرار می‌دهد.

زمانی که کودک به ۱۶ سالگی می‌رسد، حدود ۴۶۰۰۰ ساعت خوابیده، ۲۲۰۰۰ ساعت تلویزیون تماشا کرده و ۱۳۰۰۰ ساعت در مدرسه به سربرده است. ساراگرتیو، رئیس بنیاد می‌گوید: «تلویزیون فعالیت عمده فرهنگی در قرن بیستم است. اما مدارس به این موضوع توجه ندارند و کودکان برای این امر آماده نشده‌اند.»

بانفوذترین رسانه‌های کشورهای آمریکای لاتین، یعنی رادیو، تلویزیون و مطبوعات، عموماً تحت نظارت گروه کوچک اما قدرتمندی است که معمولاً به منافع اقتصادی خود فکر می‌کند و کمتر به اطلاع‌رسانی برای شهروندان توجه دارد. به علاوه، خود جامعه نیز وقت کمی برای برخوردِ آرا می‌گذارد و دسترسی ضعیفی به منابع اطلاعاتی خارج از رادیو تلویزیون دارد. گاهی این موضوع مخاطبانی را ایجاد می‌کند که به دیدگاه‌های تهیه‌کنندگانی عادت می‌کنند که دقت و صحت را فدای تنوع خبری می‌کنند.

اما استفاده از آخرین رایانه با دوربین فیلمبردار دلیلی بر تقویت استعدادهای انتقادی نیست. فناوری نمی‌تواند جانشین آموزگار شود؛ چرا که نقش آموزگار کمک به قدرت تحلیل کودکان است. کودکان با جمع‌آوری اطلاعات خام، می‌آموزند که چگونه وجود دیدگاه‌های متعارض را بپذیرند و فرق میان عقیده و واقعیات و عینیت و احساساتی‌گری را بشناسند و کشف کنند. و نیز این‌که چگونه می‌توان توجه خواننده یا شنونده را جلب کرد.

تمامی این تجربه‌ها به کودکان کمک می‌کند تا سازوکار ارتباطات را از درون بفهمند. آنان به زودی تشخیص می‌دهند که نقل خبر همان واقعیات نیست؛ بلکه نوعی گردآوری است که به ندرت ۱۰۰ درصد عینی است، چرا که بستگی به کسی دارد که گزارش را تهیه می‌کند. نوبسندهی آمریکایی، آلون تافلر گفته است: «برای این‌که نگذاریم کودکان تبدیل به گیرنده‌های انفعالی شوند و به آن‌ها یاد بدهیم که چگونه از پیام‌ها رمزگشایی کنند، بهترین چیز آن است که به آنان دوربین‌های ویدئویی بدهیم و بگذاریم از چیزی شخصاً فیلم بگیرند. خیلی زود یاد خواهند گرفت که رسانه‌ها را به شکل انتقادی تفسیر کنند. همچنین می‌فهمند که چقدر آسان می‌توانند از تصویرها و ایده‌ها درست بهره‌گیرند، چگونه تبلیغات پنهانی را در برنامه‌های مختلف بازشناسند و نیز ببینند که چگونه برخی سیاستمداران تصویرهای عوام‌فریبانه و ژست‌های فرصت‌طلبانه می‌گیرند.»

تولید برنامه‌های رسانه‌ها در مدارس آمریکای لاتین پیشرفت نخواهد کرد، مگر زمانی که رهبران سیاسی ضرورت آن‌ها را باور کنند و بر بی‌میلی مدارس فایق آیند. تأثیر رسانه‌ها چنان زیاد است که مدارس نمی‌توانند بایستند و کاری نکنند. علیرغم میل آموزگاران، رسانه‌ها به عنوان عاملان اجتماعی کردن کودکان با مدارس رقابت می‌کنند.

آموزگاران نیز باید درک کنند که گرچه وضع مالی آنان اجازه تهیه تجهیزات جدید را نمی‌دهد و گرچه موانع بسیاری برای پرداختن به کارهای فوق برنامه بر سر راهشان هست، اما رسانه‌ها و فن‌آوری جدید می‌توانند متحدان آن‌ها باشند و مدارس مناسب‌ترین مکان برای آموزش در زمینه مهارت‌های رسانه‌ای، تفسیر پیام‌های رسانه‌ای و تجهیز کودکان برای پاسخ دادن به آن‌هاست.

شبکه‌ای بین‌المللی

روزنامه نگاران نوپای آرژانتین در کشورهای دیگری چون فرانسه، شیلی، کره جنوبی، سوئیس و بنین نیز همکاری دارند. این خبرنگاران جوان هفته‌نامه ای برای کودکان به نام نمابر (Fax) دایر کرده‌اند، که در سال ۱۹۸۹م. به کمک مرکز ارتباط بین رسانه‌ای اطلاع رسانی و تدریس (CLEMI) آغاز به کار کرد.

مطالب هر شماره‌ی این مجله را گروهی از کودکان مدرسه‌ای واحد تهیه می‌کنند. این کودکان یک هیئت تحریریه تشکیل می‌دهند، در زمینه‌ی موضوع فهرست مطالب تنظیم می‌کنند و به خبرنگاران جوان کشورهای مختلف مقاله سفارش می‌دهند. مقالات به وسیله نمابر ارسال می‌شوند.

دبیران مسئول هر شماره، طراحی و توزیع مجله را در میان مدارس همکاری که از آن در کلاس‌های زبان استفاده می‌کنند، برعهده دارند. نمابر به دو زبان منتشر می‌شود، هرچند که آن در زبان همیشه یکی نیستند.

اگر با توجه به عناوین شماره‌ها و محتوای آن‌ها داوری کنیم. برخی از موضوع‌های انتخابی روزنامه نگاران جوان ممکن است در میان معدودی از همکاران بزرگسال‌شان رشک‌برانگیز باشد. مثلاً، در سال ۱۹۹۹م. ، کودکان مدرسه‌ای در شهر تیمیسوارا (Timisoara)، در رومانی، شماره‌ای از مجله را با عنوان «متفاوت، اما نه بی تفاوت»، تهیه کردند. کودکان گوادلوپ، شماره ای با عنوان «محیط زیست: همه مسئولیم» را روی کاغذ بازیافتی منتشر کردند.

نمابر که صدو هفتادمین شماره آن منتشر شده، نوجوانان ۱۱ تا ۱۸ سال را مخاطب قرار می‌دهد. مجله‌ی دیگری به نام «نمابر بچه‌ها» (Fax Junior) برای کودکان ۶ تا ۱۱ سال تهیه می‌شود که نخستین گام‌های خود را در روزنامه‌نگاری مکتوب طی می‌کند.

Centre de Liaison de l'enseignement et des moyen d'information (Clemi), 391 bis rue Vaugirard, 75015, Paris, France.